

حسوری 30، 2010

حضار نهایت گرامتقدیر، دوستدار و رفقای عزیز!

اقتضای مقامی که در جلسه استندراک دارم که بنابر ضرورت مردم تاریخی استیقام و توجیه مجدد تشکیلاتی هر چه بیشتر اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان بدان که بعد از گذر دهه و سی سال بنام حزب وطن یاد میگردند انعقاد یافته است. من به این باورم که بروز ساختارهای متعدد سیاسی با اراده و خود است اکثریت قاطع اعضای حزب سازگار نیست و هیچکدام از ساختارها به نفعی نمیتواند مسئولیت تاریخی ما را در قبال مادر وطن و وطنداران عزیز ما پاسخ دهد. مایه خود بسزای و آشنایان است که بنابر تلاش خستگی ناپذیر کمیسیون تفاهم و وحدت زمینه انجام کنونی فراهم گردید. کمیسیون تفاهم در پی انجام کارهای است که تاکنون کمتر به آن توجه مبذول داشته شده و یا اینکه تلاش شخصی بر ادایاد تفاهم بعین بنامه است.

رفقای عزیز!

نخستین هم و لازم هم نیست بر لزوم اوضاع سیاسی نظامی کشور در راه حل برای هم ها مسوود که در شش ماه از برآمدن ماه افره با مسائل داخل کشور، وضع زندگی مردم یا مستقیماً و یا از طریق میدیا در تماس بوده و آنرا تعقیب مینماییم. صرف همیقدر یا ادوی نظامی که در برابر او ششگانه مردمی کشور ما چهار وظیفه اساسی وطنی قرار دارد. ۱. تأمین صلح و ثبات پایدار؛ ۲. بازسازی کشور؛ ۳. ارتقای تدریجی سطح زندگی مردم و روشد ستون امنیت و بلاخره؛ ۴. ملت سازی که هنوز از آن فاصله زیاد داریم.

اجرای این وظایف برابر و سیاسی بنا دارد نیرومند آن داشتن یک دولت کارا است و یک حزب آهنگری حزبی که صرف نظرات محدودیت اصولی نظریات تفاوتها سلیقه و مذهبیت جناحها را نیت، سیاست و چپ در آن در اجرای وظایف وطنی انجام عمل داشته باشد. اکثریت بحث سوریکی و یکدیگر بگذریم

پیرامون حرف گذشته‌های امروزه که به نسبت آوردن آن وسیله نیرومند یعنی دشمن یک حرف
 اطمینان است مگر هم سستی ضد خدمت رفقای از عهد گذشته باقیمانده است.
 صورتها و نهادها در این کشور که تا پیش از این در صورت مردم و چاره ناپذیر اشخاص
 و بیگانه‌های دیپلماتیک و تمام بخش‌های اقتصاد است. حرف را عمیقاً در کشور و هم تا به امروز بحیثیت
 یک نیروی سیاسی مطرح در کشور با یاری و همکاری سایر نیروهای ملی و وطنپرستان در اوضاع و احوال کنونی
 مطابق به منافع ملی در صورت تائید صلح و ثبات و امنیت با ایدئولوژی در وطن بحیثیت پیوسته در افق
 سطح زندگی مردم عزیز خویش نقش خطیر و مهمی را ایفا نمائیم. و این را به صورت نیروی ملی را
 باید ما و شما سرانجام باقیمانده. بارز هم نگردد ایم که هیچ فرقی در نیروی از افراد، طبقات و سازمانها
 به شهادت می‌خواهد قادر به اجرای این امر خطیر نخواهد بود.

گذشته حرف ما سرزاری ما، سرودگی ما، پیروزی ما و شکست ما، فراز و نشیب‌های آن بخشی از تاریخ
 نهضت مرفعی کشور و متعلق به تمام آرزوهای است که سرودشت خود را به این راه گره زده بودند.
 به عقیده من هیچکس حق ندارد آن و همچنان صف را کنار اندازد، همانطوریکه جامعه افغانی
 از استوارک استی که ملیت‌ها برادر که در طول تاریخ پیر ما جزو کشور در راه دفاع از استقلال و آزادی
 حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور سرودشت استوارک دارند، تشکیلی که ایجاد خواهد کرد تا گذر آید
 تمام‌نمای جامعه افغانی ما خواهد بود.

رفقای عزیزان!

زنان به سرعت در حرکت است و ما حرف کافی را از دست داده ایم. از یک تاریکی که خودنمایی‌های افغانی
 اینام زنی ناروا، فرار از درک واقعیت‌های گذشته و عدم اعتراف به اشتباهات نه تنها نیرومند نیستیم بلکه
 سرافکندگی نیز در برابر مردم و کشور دایم می‌گردیم. گذشته را با بی‌تقادمانه و سازماندهی
 نمود. راهکارهای منفی و احزابی را باید در باقیمانده تا به تکرار خطاهای همگونی که تکلیف نگردد. قابل تذکر
 است که حرف و رهبران حرفی ما در جریان کار و دیگر مسائل تمامه موجود است خویش دایره اتفاقاً بزرگ
 و همچنان خطای اشتباهات گذشته و بعضاً بزرگ و صریحاً ناپذیر بوده است. پیرا اجتناب از حرف و کارهای

در آینه با بر خود استوار گشته اند که به گذشته دست دادند و با بعید گورد تعبیر دوی گم بر
 انانی را که با ط خود خودی در برابر صورت سنگ نزاری میکنند، انانی را که در سطح کوچک سی انر نشند
 و یا اینکه ناگوار خود را در اختیار گذشته بیان میکنند و به حرف به میراث بر افتخار گذشته
 در سواد با تجارت میکنند و واقعیت که عمو کوفی را درک نمیکند و از آن فرسنگ ها

فاصله دارند یا بدست می آوریم و یا اگر ممکن نباشد تجربه نمود و به دور افکنیم
 میسریم چرا عده هغو داشتن تعلقات و سمیاتی ها شخصی خوش را به واقعیت ها زنده و انکارناپذیر
 در جهان می دهند و فضا یا را با دیده وسیع و فضاوت مستقل و ناچارند از می بینند و در دام بت پرستی
 ضنون بار گیرند و اندک نظر خود را بخورند به هفت تحمل نمایند

افشا، دشمنان ا

هستند افراد و شخصیت ها که با طریقه مورد سخرشان صریحاً حرکت ایجاد یک حرکت سرگرمی را برانند
 و با همگامی را میتوان سرخ نمود با بر سرشت بیمارگونه شان به صورت حرفی و خستنی با بر سر به دست می
 و آنها از بی، نیرو، سیاسی شخصیت ها ملی و وطن پرست با هفت ها گوناگون مانع صورت حزب
 در خا (حرف وطن) و سایر روشنفکران گردین و آب به اشیا دشمنان وطن بریزند

یکبار دیگر تا کیدی و درزم که با یک اتحاد ملی و وطنی و ترقی و افغانی صرف نظر از گرایش ها، فویشینی با و
 به بینی ما، تمامیت فکری ملی، جوانی، مذهبی و ملی میخورن جا نگاه خود را در جامعه حفظ و حضور
 خود را در ذهن و در آینه گوی، نگذاریم. فکر کنیم منافع ملی و وطنی ما در ما نهایی ولادی آن نهایی
 از قمش و داعی و وطن بر هم جز اولویت دارد. تا این حد و اینست و عزالت اجتماعی که در لفظ بیجان قرار
 داشته است ارجاب همانها با بار نری طالی به ایند بنگریم مسئولیت خط و ناری خوشی را در برابر و در خوش
 قرار هم. دور از سر خودی ها در مانوی ها را به طاق نشان بداریم. سواد گری ها گوردی و نشانی ها در ظاهر را
 که سبب تقسیم و انقطاع جنبش ترقی و حزب سرشاری بر افتخار گوردیدن خاطر رنج ها بگردان مردم مستعدیده
 وطن عزیز ما افغان نشان گنار نگذاریم و همه با هم بر و با طریقه ایجاد یک گردان بر می یکبار و آهیدنی
 دست یکنگند را بعشاریم و با سندهندی و تجارت کامل بر ما حقوق ارمانهای بزرگ خوش دست بطا شوم

یا به یو لیرد یا به ورکیرد
 باد در دهی رفیقانم
 دکتر عزیزان در شوق